

جستاری بر

زبان‌شناسی انگلیسی

همراه با تحلیل نقش تکواژها در پیدایش واژگان

تدوین و نگارش

محمد آذروش

عضو هیئت مدرسین دانشگاه جامع علمی کاربردی

۱۴۰۱

تقدیم به

همسر عزیزم مهندس فیروزه امامی

و پسر دلبندم دکتر آرش آذروش

و همه عزیزانی که در تدوین و انتشار این مختصر اینجانب را یاری کردند

با احترام و سپاس

پیشگفتار

این مختصر پیرامون زبانشناسی، نحو، واژگان و روابط آنها، اجزای تشکیل دهنده واژگان و سازمان بندی درونی جمله ها نوشته شده است. اعتقاد من بر این است که این اطلاعات برای هر کسی که به هر دلیلی به علم زبانشناسی علاقه مند باشد، برای هر کسی که به فرهنگ لغت علاقه مند است، برای هر کسی که در توسعه دستور زبان و واژگان افراد بومی و غیر بومی زبان انگلیسی نقش دارد، برای هر کسی که در برنامه های درسی نوشتن را تدریس می کند و باید ویژگی های دستور زبان و کلمه های خاص رشته خود را آموزش دهد، برای هر کسی که نویسندگی تدریس می کند و باید با این واقعیت که جوامع مختلف انگلیسی زبان از فرم های مختلف دستوری و واژگانی استفاده می کنند که فقط یکی از آنها به عنوان استاندارد در نظر گرفته می شود، و موارد متنوع دیگری از این دست، ارزشمند خواهد بود.

محمد آدروش

Human Language Characteristics :

ویژگیهای زبان انسان

1 . The use of words to create oral communication

استفاده از کلمات برای ایجاد ارتباط های شفاهی

2 . Displacement : Ability to speak about other times , for example about “paradise” .

جابجایی: توانایی صحبت در مورد زمانهای دیگر ، به عنوان مثال در مورد "بهشت".

3 . Arbitrariness : There are no relations between the meaning of the word and its reference .

قراردادی: هیچ رابطه ای بین معنی و شکل واژه وجود ندارد.

4 . Creativity: The production and comprehension of numerous different sentences that were not produced or heard before.

خلاقیت: تولید و درک جملات مختلف متعددی که قبلاً تولید یا شنیده نشده است

5 . Cultural transmission : Man does not inherit a language after being born.

انتقال فرهنگی: انسان پس از به دنیا آمدن ، زبانی را به ارث نمی برد

6 . Duality : The ability to study language in two stages : a) morphemes , b) phonemes

دوگانگی: توانایی مطالعه زبان در دو مرحله: الف) تکواژها ، ب) واج ها

7 . Discreteness : the property to distinguish the phonemes from each other , eg. /t/ from /l/ the property that can clearly be studied in “minimal pairs” (pair of distinct phonemic chains that differ in one segment , eg. tip / lip in /t/ and /l/.)

گسسته بودن: ویژگی تشخیص واج ها از یکدیگر ، این ویژگی را می توان به وضوح در "زوج های کمینه" و در زنجیره های آوایی مجزا مورد مطالعه قرار داد که در یک عنصر با هم متفاوت هستند .

Words and Morphemes

In traditional grammar, words are the basic units of analysis. Grammarians classify words according to their parts of speech and identify and list the forms that words can show up in.

Although the matter is really very complex, for the sake of simplicity we will begin with the assumption that we are all generally able to distinguish words from other linguistic units. It will

be sufficient for our initial purposes if we assume that words are the main units used for entries in dictionaries. In a later section, we will briefly describe some of their distinctive characteristics.

واژگان و تکواژها

در دستور زبان سنتی، کلمات واحدهای اصلی تجزیه و تحلیل هستند. گرامرها کلمات را بر اساس بخش های گفتارشان طبقه بندی می کنند و اشکالی را که کلمات می توانند در آنها ظاهر شوند را شناسایی و فهرست می کنند. اگرچه موضوع واقعاً بسیار پیچیده است، برای سادگی، با این فرض شروع می کنیم که همه ما به طور کلی قادر به انجام آن هستیم. ابتدا کلمات را از سایر واحدهای زبانی متمایز می کنیم. اگر فرض کنیم که کلمات واحدهای اصلی مورد استفاده برای ورود به فرهنگ لغت باشند، این فرض برای اهداف اولیه ما کافی خواهد بود. در بخش بعد چند ویژگی های متمایز آنها را شرح خواهیم داد.

Words are potentially complex units, composed of even more basic units, called morphemes. A **morpheme** is the smallest part of a word that has grammatical function or meaning, and not the smallest unit of meaning; we will designate them in braces—{ }. For example, *sawed*, *sawn*, *sawing*, and *saws* can all be analyzed into the morphemes {saw} + {-ed}, {-n}, {-ing}, and {-s}, respectively. None of these last four can be further divided into meaningful units and each occurs in many other words such as *looked*, *mown*, *coughing*, *bakes*.

واژه ها واحدهای بالقوه پیچیده ای هستند که از واحدهای اساسی تری تشکیل شده اند که تکواژ نامیده می شوند. تکواژ کوچکترین قسمت یک کلمه است که کارکرد یا معنای دستوری دارد. ما آنها را در پرانتز مشخص می کنیم:

{saw} + {-ed}, {-n}, {-ing}, and {-s}

این چهار مورد آخر را نمی توان بیشتر به واحدهای معنادار تقسیم کرد و هریک در بسیاری از کلمات دیگر حاضر میشوند *looked*, *mown*, *coughing*, *bakes*.

{Saw} can occur on its own as a word; it does not have to be attached to another morpheme. It is a **free morpheme**. However, none of the other morphemes listed just above is free. Each must be **affixed** (attached) to some other unit; each can only occur as a part of a word. Morphemes that must be attached as word parts are said to be **bound**.

Affixes are classified according to whether they are attached before or after the form to which they are added. **Prefixes** are attached before and **suffixes** after. The bound morphemes listed

earlier are all suffixes; the {re-} of *resaw* is a prefix. Further examples of prefixes and suffixes are presented in Appendix at the end of this book.

وندها بر حسب اینکه قبل یا بعد از فرمی که به آن اضافه شده اند، دسته بندی می شوند. پیشوندها به آغاز و پسوندها به انتهای فرم ضمیمه می شوند. تکواژهای وابسته شده که پیش از این ذکر شده اند، همه پسوند هستند. نمونه های بیشتری از پیشوندها و پسوندها در ضمیمه انتهای این کتاب ارائه شده است.

Root, derivational, and inflectional morphemes

Besides being bound or free, morphemes can be classified as root, derivational, or inflectional.

A **root** morpheme is the basic form to which other morphemes are attached. It provides the basic meaning of the word. The morpheme {saw} is the root of *sawers*.

تکواژها علاوه بر وابسته و یا آزاد بودن، می توانند به در گروه ریشه، اشتقاق یا عطف نیز طبقه بندی شوند. تکواژ ریشه، شکل اصلی است که سایر تکواژها به آن متصل شده و معنای اصلی کلمه را ارائه می دهد.

Derivational morphemes are added to forms to create separate words: {-er} is a derivational suffix whose addition turns a verb into a noun, usually meaning the person or thing that performs the action denoted by the verb. For example, {paint}+{-er} creates *painter*, one of whose meanings is “someone who paints.”

تکواژهای اشتقاقی به فرم ها اضافه می شوند تا کلمات جدید بسازند.

Inflectional morphemes do not create separate words. They merely modify the word in which they occur in order to indicate grammatical properties such as plurality, as the {-s} of *magazines* does, or past tense, as the {ed} of *babecued* does. English has eight inflectional morphemes, which we will describe below.

تکواژهای عطفی کلمات جدید نمی سازند. آنها صرفاً کلمه ای که در آن حاضر می شوند را تغییر می دهند تا ویژگی های دستوری مانند جمع را نشان دهند. زبان انگلیسی دارای هشت تکواژ عطفی است که در ادامه به شرح آنها می پردازیم.

We can regard the root of a word as the morpheme left over when all the derivational and inflectional morphemes have been removed. For example, in *immovability*, {im-}, {-abil}, and {-ity} are all derivational morphemes, and when we remove them we are left with {move}, which cannot be further divided into meaningful pieces, and so must be the word's root.

وقتی همه تکواژهای اشتقاقی و عطفی از یک واژه حذف شده باشند، می توانیم تکواژ باقیمانده آن را ریشه آن کلمه بدانیم.

We must distinguish between a word's root and the forms to which affixes are attached. In *moveable*, {-able} is attached to {move}, which we've determined is the word's root. However, {im-} is attached to *moveable*, not to {move} (there is no word *immove*), but *moveable* is not a root. Expressions to which affixes are attached are called **bases**. While roots may be bases, bases are not always roots.

باید بین ریشه یک کلمه و صورت هایی که پسوندها به آنها متصل می شوند تمایز قائل شد. واحدی که پسوند به آنها متصل می شود، پایه نامیده می شود. علیرغم اینکه ریشه ها ممکن است پایه باشند، پایه ها همیشه ریشه نیستند.

Morpheme , Allomorph , Morph

The English plural morpheme {-s} can be expressed by three different but clearly related phonemic forms /Iz/ or /əz/, /z/, and /s/. These three have in common not only their meaning, but also the fact that each contains an alveolar fricative phoneme, either /s/ or /z/. The three forms are in complementary distribution, because each occurs where the others cannot, and it is possible to predict just where each occurs: /əz/ after sibilants, /z/ after voiced segments, and /s/ everywhere else. Given the semantic and phonological similarities between the three forms and the fact that they are in complementary distribution, it is reasonable to view them as contextual pronunciation variants of a single entity. In parallel with phonology, we will refer to the entity of which the three are variant representations as a **morpheme**, and the variant forms of a given morpheme as its **allomorphs**. When we wish to refer to a minimal grammatical form merely as a form, we will use the term **morph**. Compare these terms and the concepts behind them with phoneme, allophone, and phone.

تکواژ جمع انگلیسی {س} را می توان با سه شکل آوایی متفاوت اما به وضوح مرتبط {ز} و {ایز} و {س} بیان کرد. این سه نه تنها در معنایشان مشترک هستند، بلکه این واقعیت را نیز دارند که هر کدام دارای واج سایشی لثوی هستند. این سه شکل در توزیع مکمل هم قرار دارند، زیرا هر کدام در جایی اتفاق می افتند که دیگران نمی توانند اتفاق بیفتند، و همچنین می توان دقیقاً جایی که هر کدام رخ می دهد را پیش بینی کرد. با توجه به همسانی های معنایی و واج شناختی بین این سه شکل و این واقعیت که آنها در توزیع مکمل هم هستند، معقول است که آنها را به عنوان گونه های تلفظ در بافت یک واحد معین در نظر بگیریم. در واج شناسی، ما به موجودیتی که این هر سه تکواژ بازنمودهای متفاوتی از یک تکواژ معین را به

نمایش می‌گذارند به عنوان تکواژگونه از یک تکواژ معین اشاره می‌کنیم. اما وقتی بخواهیم به یک فرم دستوری حداقلی صرفاً به عنوان یک فرم اشاره کنیم، از اصطلاح "واژ" استفاده خواهیم کرد.

Words

Words are notoriously difficult entities to define, both in universal and in language specific terms. Like most linguistic entities, they look in two directions—upward toward larger units of which they are parts (toward phrases), and downward toward their constituent morphemes. This, however, only helps us understand words if we already understand how they are combined into larger units or divided into smaller ones, so we will briefly discuss several other criteria that have been proposed for identifying them.

تعریف واژه چه در جایگاه کلی و چه در شرایط خاص زبان امری بسیار دشوار است. با این حال، تعریف واژگان تنها زمانی به ما کمک می‌کند که ابتدا کلمات را درک کرده و سپس دریابیم که چگونه آنها را در واحدهای بزرگتر ترکیب کرده و یا آنها را به واحدهای کوچکتر تقسیم کنیم. در اینجا به طور خلاصه چندین معیار که برای شناسایی واژگان پیشنهاد شده است را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

One possible criterion is spelling: in written English text, we tend to regard as a word any expression that has no spaces within it and is separated by spaces from other expressions. While this is a very useful criterion, it does sometimes lead to inconsistent and unsatisfactory results. For instance, *cannot* is spelled as one word but *might not* as two; compounds (words composed of two or more words; see below) are inconsistently divided (cf. *influx*, *in-laws*, *goose flesh*, *low income* vs. *low-income*).

یکی از معیارهای ممکن املا است: در متن انگلیسی نوشتاری، ما تمایل داریم هر رشته نویسه ای را که در آن فاصله وجود نداشته باشد و با فاصله از رشته نویسه های دیگر جدا شود، به عنوان یک کلمه در نظر بگیریم. اگرچه این معیاری بسیار مفید است، گاهی اوقات منجر به نتایج متناقض می‌شود.

Words tend to resist interruption; we cannot freely insert pieces into words as we do into sentences. For example, we cannot separate the root of a word from its inflectional ending by inserting another word, as in **sock-blue-s* for *blue socks*. Sentences, in contrast, can be interrupted. We can insert adverbials between subjects and predicates: *John quickly erased his*

fingerprints. By definition, we can also insert the traditional interjections: *We will, I believe, have rain later today*.

کلمات تمایل دارند در برابر وقفه مقاومت کنند. ما نمی توانیم آزادانه وقفه را، همانطور که در جملات انجام می دهیم، در کلمات وارد کنیم، برای مثال ما نمی توانیم با درج کلمه دیگری، ریشه یک کلمه را از وند عطفی آن جدا کنیم. اما این امر در مورد جمله ها متفاوت است. ما می توانیم در جمله قیده ها را بین فاعل و گزاره درج کنیم. بنا به تعریف، ما همچنین می توانیم حروف ندا را نیز در جمله وارد کنیم.

In English, though by no means in all languages, the order of elements in words is quite fixed. English inflections, for example, are suffixes and are added after any derivational morphemes in a word. At higher levels in the language, different orders of elements can differ in meaning: compare *John kissed Mary* with *Mary kissed John*. But we do not contrast words with prefixed inflections with words with suffixed inflections. English does not contrast, for example, *piece* + *s* with *s* + *piece*.

در انگلیسی، اما نه در همه زبان ها، ترتیب عناصر در کلمات کاملاً ثابت است. برای مثال، عطف های انگلیسی پسوند هستند و پس از هر تکواژ اشتقاقی در یک کلمه اضافه می شوند. در سطوح بالاتر زبان، مرتبه های مختلف عناصر می توانند در معنا متفاوت باشند. اما کلمات دارای عطف پیشوند با کلمات دارای عطف پسوند مقایسه نمی شوند.

In English, too, it is specific individual words that select for certain inflections. Thus the word *child* is pluralized by adding {-ren}, *ox* by adding {-en}. So if a form takes the {-en} plural, it must be a word. So **words** are units composed of one or more morphemes; they are also the units of which phrases are composed.

در زبان انگلیسی نیز، کلمات معین و خاصی هستند که برای عطفی مشخص انتخاب می شوند. بنابراین واژگان واحدهایی هستند که از یک یا چند تکواژ تشکیل شده اند. این واژگان همچنین واحدهایی به شمار می آیند که گروه های واژگانی از آنها تشکیل می شود.

English inflectional morphology

Inflectional morphemes, as we noted earlier, alter the form of a word in order to indicate certain grammatical properties. English has only eight inflectional morphemes, listed in Table 1, along with the properties they indicate.

تکواژهای عطفی، همانطور که قبلاً اشاره شد، شکل یک کلمه را برای نشان دادن ویژگی های دستوری خاص تغییر می دهند. زبان انگلیسی فقط هشت تکواژ عطفی دارد. این تکواژها همراه با ویژگی هایی که نشان می دهند در جدول پیوست فهرست شده اند.

Except for {-en}, the forms we list in Table 1 are the **regular** English inflections. They are regular because they are the inflections added to the vast majority of verbs, nouns, adjectives, and adverbs to indicate grammatical properties such as tense, number, and degree.

بجز یک مورد فرم هایی که در جدول پیوست فهرست شده اند، همه عطف های منظم انگلیسی هستند. آنها عطف های منظم هستند زیرا به اکثریت قریب به اتفاق افعال، اسم ها، صفت ها و قیده ها اضافه می شوند تا ویژگی های دستوری مانند زمان، عدد و درجه را نشان دهند.

They are also the inflections we typically add to new words coming into the language, for example, we add {-s} to the noun *throughput* to make it plural. When we borrow words from other languages, in most cases we add the regular English inflections to them rather than borrow the inflections they had in their home languages; for example, we pluralize *operetta* as *operettas* rather than as *operette* as Italian does; similarly, we sing *oratorios* rather than *oratori*. [Thanks to Paula Malpezzi-Price for help with these examples.] The regular inflections are the default inflections that learners tend to use when they don't know the correct ones (for example, *growed* rather than *grew*).

آنها همچنین عطف هایی هستند که ما معمولاً به کلمات جدیدی که وارد زبان می شوند اضافه می کنیم. وقتی کلماتی را از زبان های دیگر قرض می گیریم، در بیشتر موارد به جای استفاده از عطف هایی که این واژگان در زبان اصلی خود داشتند، عطف های معمولی انگلیسی را به آنها اضافه می کنیم. عطف های معمولی، عطف های پیش فرض هستند که زبان آموزان تمایل دارند زمانی که عطف های صحیح را نمی دانند از آنها استفاده کنند.

nouns: {-s} plural (the birds)

noun phrases: {-s} genitive/possessive (the bird's song)

adjectives/adverbs: {-er} comparative (faster)

. {-est} superlative (fastest)

verbs: {-s} 3rd person singular present tense (proves)

{-ed} past tense (proved)

{-ing} progressive/present participle (is **proving**)

{-en} past participle (has **proven**)

(was **proven**)

[Note: the regular past participle morpheme is {-ed}, identical to the past tense form {-ed}. We use the irregular past participle form {-en} to distinguish the two.]

However, because of its long and complex history, English (like all languages) has many **irregular** forms, which may be irregular in a variety of ways. First, irregular words may use different inflections than regular ones: for example, the modern past participle inflection of a regular verb is {-ed}, but the past participle of *freeze* is *frozen* and the past participle of *break* is *broken*. Second, irregular forms may involve internal vowel changes, as in *man/men*, *woman/women*, *grow/grew*, *ring/rang/rung*. Third, some forms derive from historically unrelated forms: *went*, the past tense of *go*, historically was the past tense of a different verb, *wend*. This sort of realignment is known as **suppletion**. Other examples of suppletion include *good*, *better*, and *best*, and *bad*, *worse*, and *worst*. (As an exercise, you might look up *be*, *am*, and *is* in a dictionary that provides etymological information, such as the American Heritage.) Fourth, some words show no inflectional change: *sheep* is both singular and plural; *hit* is both present and past tense, as well as past participle. Fifth, many borrowed words, especially nouns, have irregular inflected forms: *alumnae* and *cherubim* are the plurals of *alumna* and *cherub*, respectively.

با این حال، به دلیل تاریخ طولانی و پیچیده‌اش، زبان انگلیسی (مانند همه زبان‌ها) دارای اشکال نامنظم بسیاری است که ممکن است به طرق مختلف بی قاعده باشند. اولاً، کلمات نامنظم ممکن است از عطف‌های متفاوتی نسبت به کلمات معمولی استفاده کنند. دوم، اشکال نامنظم ممکن است شامل تغییرات واکه داخلی باشد. سوم، برخی از شکل‌ها از صورت‌های غیرمرتبط تاریخی ناشی می‌شوند. این نوع تنظیم مجدد تحت عنوان "تکامل" شناخته می‌شود. نمونه‌های دیگر این تنظیم مجدد عبارتند از "خوب، بهتر، و بهترین، و بد، بدتر و بدترین". چهارم، برخی از کلمات تغییر عطفی نشان نمی‌دهند. پنجم، بسیاری از لغات وام گرفته شده، به ویژه اسم‌ها، دارای اشکال عطفی نامنظم هستند.

Irregular forms demonstrate the abstract status of morphemes. Thus the word *men* **realizes** (represents, makes real) the two morphemes {man} and {plural}; *women* realizes {woman} and

{plural}; *went* realizes {go} and {past tense}. Most grammar and writing textbooks contain long lists of these exceptions.

صورت های نامنظم وضعیت انتزاعی تکواژها را نشان می دهند. اکثر کتاب های درسی دستور زبان و نگارش فهرست های طولانی از این استثنایها را در خود جای داده اند.

As a final issue here we must note that different groups of English speakers use different inflected forms of words, especially of verbs. When this is the case, the standard variety of the language typically selects one and rejects the others as non-standard, or, illogically, as “not English,” or worse. For example, many English speakers use a single form of *be* in the past tense (*was*) regardless of what the subject of its clause is. So they will say, *We was there yesterday*.

This is an uncontroversial issue: *was* in instances like this is universally regarded as non-standard. Other forms are more controversial. For example, what is the past tense of *dive*—*dived* or *dove*? How are *lie* and *lay* to be used? How does your dictionary deal with such usage issues?

به عنوان آخرین موضوع در اینجا باید توجه داشته باشیم که گروه های مختلف انگلیسی زبانان از اشکال مختلف عطف کلمات، به ویژه افعال استفاده می کنند.

در این صورت، نوع استاندارد زبان معمولاً یکی را انتخاب کرده و بقیه را به عنوان غیر استاندارد، غیر منطقی، "غیر انگلیسی" و یا بدرد می کند.

English derivational morphology

Derivation is the process of creating separate but morphologically related words. Typically, but not always, it involves one or more changes in form. It can involve prefixing, as in *resaw*, and suffixing, as in *sawing*, *sawer*, *sawable*.

اشتقاق فرآیند ایجاد کلمات جدید اما از نظر صرفی مرتبط است. به طور معمول، اما نه همیشه، اشتقاق شامل یک یا چند تغییر در صورت واژه است. این تغییر می تواند شامل پیشوند، یا پسوند باشد.

Another type of derivation, while not visible, is at least audible. It involves a change in the position of the primary stress in a word. Compare:

‘permit (noun)	per’mi(t verb)
‘contact (noun)	con’tac(t verb)

‘perfect (adj.) per’fect (verb)

‘convert (noun) con’vert (verb)

نوع دیگری از اشتقاق، که قابل مشاهده نیست، اما قابل شنیدن است شامل تغییر در موقعیت استرس اولیه در یک واژه است.

In some derivationally related word pairs, only a feature of the final consonant changes, usually its voicing :

advice >>> advise /s/ >>> /z/

belief >>> believe /f/ >>> /v/

در برخی از جفت‌های واژه‌ای مرتبط با اشتقاق، معمولاً تنها صامت نهایی تغییر می‌کند.

In some cases adding a derivational morpheme induces a change in a stressed vowel:

divine >>> divinity /aI/ >>> /I/

serene >>> serenity /i/ >>> /ɜ/

در برخی موارد افزودن یک تکواژ اشتقاقی باعث تغییر در یک مصوت دارای استرس می‌شود.

In other cases, the addition of a suffix triggers a change in the final consonant of the root. For example, an alveolar consonant becomes palatal with the same voicing value:

part >>> partial /t/ >>> /ʃ/

face >>> facial /s/ >>> /ʃ/

seize >>> seizure /z/ >>> /ʒ/

remit >>> remission /t/ >>> /ʒ/

در موارد دیگر، پیوست یک پسوند باعث تغییر در همخوان نهایی ریشه می‌شود. به عنوان مثال، یک همخوان لثوی با همان مقدار واک تبدیل به همخوان پس لثوی می‌شود.

In a multi-syllabic word with a stressed tense vowel, the palatalization may be accompanied by a laxing of that vowel:

collide >>> collision /d/ >>> /ɜ/ /aI/ >>> /I/

elide >>> elision /d/ >>> /ɜ/ /aI/ >>> /I/

در یک کلمه چند هجایی با یک واکه تحت استرس، کامی شدگی ممکن است با کوتاه شدن آن واکه همراه باشد.

Sometimes the addition of a derivational affix requires a change in the stress pattern, with

consequential changes in the pronunciations of the vowels. In most cases an unstressed vowel is pronounced as schwa:

‘telegraph >>> te’legraphy

‘regal >>> re’galia

‘tutor >>> tu’torial

گاهی اوقات افزودن یک پسوند اشتقاقی مستلزم تغییر در الگوی استرس و تغییراتی در تلفظ واکه است. در بیشتر موارد یک واکه بدون استرس، شوا تلفظ می شود.

In still other cases we find suffixing, stress migration with change of vowel quality, and change of consonant:

app’rove >>>> appro’bation /u/ >>>> /ə/ /v/ >>>> /b/

در موارد دیگر با پیوست پسوند، جابجایی استرس با تغییر کیفیت واکه و تغییر همخوان را مشاهده می کنیم.

Additionally, English allows us to change a word’s part of speech without any change of form.

As a result, identical forms may belong to different parts of speech, e.g., *saw* the noun and *saw* the verb:

A . This saw is too dull. (noun)

B . Don’t saw that board. (verb)

علاوه بر این، انگلیسی به ما این اجازه را می دهد تا نقش دستوری یک واژه را بدون دست بردن در شکل آن تغییر دهیم. در نتیجه، صورت های یکسان یک واژه ممکن است به نقش های دستوری متفاوت تعلق داشته باشند.

Other examples include *hit*, *buy*, *dust*, *autograph*, *brown-bag*, which can all be both verbs and nouns. Change of part of speech without any corresponding formal change is called **conversion** (also **functional shift** or **zero derivation**). There is more on this topic in our chapter on Major Parts of Speech.

تغییر نقش دستوری واژه بدون تغییر ظاهری آن "تبدیل" نامیده می شود که فرایند آن متأثر از عملکرد تکواژ صفر در واژه پایه است.

Other sources of word formation

Words belonging to different parts of speech take different inflections—e.g., {N*saw*} + {pl-*s*};

{Vsaw} + {-ed}. Because derivationally related forms often belong to different parts of speech and consequently allow different inflections, and because the meanings of derivationally related pairs are not always as parallel as their forms are, derived forms may be given their own entries in dictionaries. Webster's New World Dictionary, for instance, has separate entries for *generate* and *generation* and for *compete* and *competence*. Look up these words in your own dictionary and note how the meanings of *generation* and *competence* are not entirely predictable from those of *generate* + {-ion} and *compete* + {-ence}, respectively.

واژگانی که نقش های دستوری متفاوتی دارند دارای اشکال مختلف هستند. از آنجایی که شکل های مرتبط با اشتقاق اغلب به نقش های مختلف دستوری تعلق دارند و در نتیجه عطف های متفاوتی را مجاز می دانند، و نیز از آنجایی که معانی جفت های مرتبط با اشتقاق همیشه به موازات شکل هایشان نیست، صورت های مشتق شده ممکن است ورودی های خاص خود در فرهنگ های لغت را داشته باشند.

The term **word family** is often used for a set of words that are related to each other derivationally or inflectionally, though the term is also used to refer to any set of words that rhyme with each other.

اصطلاح "واژگان هم خانواده" اغلب برای مجموعه ای از واژگان استفاده می شود که به صورت اشتقاقی یا عطفی با یکدیگر مرتبط هستند، اگرچه این اصطلاح برای اشاره به مجموعه ای از واژگانی که با یکدیگر هم وزن هستند نیز استفاده می شود.

Compounding

The underlined words in the following sentence are created by combining *saw* with some other word, rather than with a bound morpheme:

A . Every workshop should have a chain saw, a table saw, a jig-saw, a hack saw, and a bucksaw.

B . A sawmill is a noisy place.

C . Sawdust is always a problem in a woodworker's workshop.

D . Sawing horses are useful and easily made.

کلمات زیر خط کشیده شده در جمله بالا از ترکیب یک کلمه با یک کلمه دیگر و بلکه نه از پیوست یک تکواژ وابسته به پایه ساخته شده اند.

Such words are called **compounds**. They contain two or more words (or more accurately, two or more roots, all, one, or none of which may be bound; cf. *blueberry* with two free morphemes, and *astronaut* with two bound morphemes). Generally, one of the words is the head of the compound and the other(s) its modifier(s). In *bucksaw*, *saw* is the head, which is modified by *buck*. The order is significant: compare *pack rat* with *rat pack*. Generally, the modifier comes before the head.

به این گونه کلمات واژگان مرکب می گویند. این واژگان شامل دو یا چند کلمه و یا به طور دقیق تر، دو یا چند ریشه هستند و ممکن است همه آنها، شامل دو تکواژ آزاد، یا دو تکواژ وابسته بوده و یا یکی از آن تکواژها وابسته بوده و یا حتی هیچیک از آن تکواژها وابسته نیز نباشند. عموماً یکی از واژه ها در این گروه راس و بقیه معرف آن بشمار می آیند. و به طور کلی، در واژگان مرکب معرف غالباً "قبل از راس قرار می گیرد.

In ordinary English spelling, compounds are sometimes spelled as single words, as in *sawmill*, *sawdust*; sometimes the parts are connected by a hyphen, as in *jig-saw*; and sometimes they are spelled as two words, as in *chain saw*, *oil well*. (Dictionaries may differ in their spellings.) Nonetheless, we are justified in classifying all such cases as compound words regardless of their conventional spelling for a variety of reasons.

در املاي معمول انگليسي، واژگان مرکب گاهي اوقات به صورت تک کلمات نوشته می شوند، گاهي اوقات قسمت ها توسط خط فاصله به هم متصل می شوند، و گاهي هم به صورت دو کلمه ای نوشته می شوند. با این وجود، ما به دلایل مختلف می توانیم همه این موارد را بدون توجه به املاي متعارف آنها در گروه واژگان مرکب طبقه بندی کنیم.

First, the stress pattern of the compound word is usually different from the stress pattern in the phrase composed of the same words in the same order.

Compound	Phrase
'White ,House	,white 'house
'funny ,farm	,funny 'farm
'flat,car	,flat 'car

In the compounds the main stress is on the first word; in the phrases the main stress is on the last word. While this pattern does not apply to all compounds, it is so generally true that it provides a very useful test.

نخست، الگوی استرس واژه مرکب معمولاً با الگوی استرس در مجموعه ای که از همان واژگان با ترتیب یکسان شکل گرفته است متفاوت است. در ترکیب ها استرس اصلی بر واژه اول است. در گروه ها استرس اصلی بر روی حرف آخر است. اگرچه این الگو برای همه ترکیب ها اعمال نمی شود، اما آنقدر کلیت دارد که یک تست بسیار مفید را ارائه می دهد.

Second, the meaning of the compound may differ to a greater or lesser degree from that of the corresponding phrase. A *trotting-horse* is a kind of horse, regardless of its current activity; a *trotting horse* must be a horse that is currently trotting. So, because the meanings of compounds are not always predictable from the meanings of their constituents, dictionaries often provide individual entries for them. They do not do this for phrases, unless the meaning of the phrase is **idiomatic** and therefore not derivable from the meanings of its parts and how they are put together, e.g., *raining cats and dogs*. Generally the meaning of a phrase is predictable from the meanings of its constituents, and so phrases need not be listed individually. Indeed, because the number of possible phrases in a language is infinite, it is in principle impossible to list them all. Third, in many compounds, the order of the constituent words is different from that in the corresponding phrase:

Compound	Phrase
sawmill	mill for sawing
sawing horse	horse for sawing
sawdust	dust from sawing

دوم، معنای ترکیب ممکن است تا حد زیادی با گروه مربوطه متفاوت باشد. از آنجا که معانی ترکیبات همیشه از روی معانی اجزای تشکیل دهنده آنها قابل پیش بینی نیست، فرهنگ لغت اغلب ورودی های جداگانه ای برای آنها ارائه می دهد. آنها این کار را برای گروه انجام نمی دهند، مگر اینکه معنای گروه، اصطلاحی باشد و بنابراین از معانی اجزای آن و نحوه کنار هم قرار گرفتن آنها قابل استخراج نباشد. به طور کلی معنای یک گروه از معانی اجزای آن قابل پیش بینی است و بنابراین لازم نیست گروه ها به صورت جداگانه فهرست شوند. و در واقع، چون تعداد گروه ها در یک زبان بی نهایت است، فهرست

کردن همه آنها در اصل غیرممکن است.

سوم، در بسیاری از ترکیب ها، ترتیب واژگان تشکیل دهنده با گروه مربوطه متفاوت است.

Fourth, compound nouns allow no modification to the first element. This contrasts with noun phrases, which do allow modification to the modifier: compare **a really-whitebird* and *a really white bird*. There are a number of ways of approaching the study and classification of compound words, the most accessible of which is to classify them according to the part of speech of the compound and then sub-classify them according to the parts of speech of its constituents.

چهارم، اسامی مرکب هیچ تغییری در عنصر اول خود ندارند. این در تضاد با گروه های اسمی است که امکان تغییر معرف را فراهم می کنند. روش های مختلفی برای بررسی و طبقه بندی واژه های مرکب وجود دارد که در دسترس ترین آن ها طبقه بندی واژه های مرکب بر اساس نقش دستوری ترکیب ها و سپس طبقه بندی فرعی آنها بر اساس نقش های دستوری اجزای آنها است.

1 . Compound Nouns

- A . Noun + noun: bath towel; boy-friend
- B . Verb + noun: pickpocket; breakfast
- C . Noun + verb: nosebleed ; sunshine
- D . Verb + verb: make-believe
- E . Adjective + noun: deep structure; fast-food
- F . Particle + noun: in-crowd; down-town
- G . Adverb + noun: now generation
- H . Verb + particle: cop-out; drop-out
- I . Phrase compounds: son-in-law

2 . Compound verbs

- A . Noun + verb: sky-dive
- B . Adjective + verb: fine-tune
- C . Particle + verb: overbook
- D . Adjective + noun: brown-bag

3 . Compound adjectives

- A . Noun + adjective: card-carrying; childproof
- B . Verb + adjective: fail safe
- C . Adjective + adjective: open-ended
- D . Adverb + adjective: cross-modal
- E . Particle + adjective: over-qualified
- F . Noun + noun: coffee-table
- G . Verb + noun: roll-neck
- H . Adjective + noun: red-brick; blue-collar
- I . Particle + noun: in-depth
- J . Verb + verb: go-go; make-believe
- K . Adjective/Adverb + verb: high-rise
- L . Verb + particle: see-through; tow-away

4 . Compound adverbs

- A . uptightly
- B . cross-modally

5 . Neo-classical compounds

- A . astro-naut
- B . hydro-electric
- C . mechano-phobe

An alternative approach is to classify compounds in terms of the semantic relationship between the compound and its head. The head of a compound is the constituent modified by the compound's other constituents. In English, heads of compounds are typically the rightmost constituent (excluding any derivational and inflectional suffixes). For example, in *traffic-cop* the head is *cop*, which is modified by *traffic*; in *line-backer* the head is *backer*, which is modified by

line. Linguists distinguish at least three different semantic relations between the head and modifier(s) of compounds.

یک رویکرد جایگزین، طبقه بندی ترکیبات از نظر رابطه معنایی بین ترکیب و راس آن است. راس یک ترکیب، جزء تشکیل دهنده ای است که توسط سایر اجزای ترکیب تعریف می شود. در انگلیسی، به استثنای پسوندهای اشتقاقی و عطفی، راس ترکیب ها معمولاً در سمت راست سازه قرار دارند. زبان شناسان حداقل سه رابطه معنایی متفاوت را بین راس و معرف های ترکیب ها مشخص می کنند.

First, the compound represents a subtype of whatever the head represents.. For instance, a *traffic-cop* is a kind of cop; a *teapot* is a kind of pot; a *fog-lamp* is a kind of lamp; a *blue-jay* is a kind of jay. That is, the head names the type, and the compound names the subtype. These are called **endocentric compounds**.

نخست، این ترکیب نشان دهنده یک نوع زیرگونه از هر آن چیزی است که راس ارائه می دهد. راس عنوان گونه را نامگذاری کرده و ترکیب هم زیرگونه را نامگذاری می کند. به ترکیب هایی از این دست ترکیب های "درون مرکزی" اطلاق می شود.

Second, the compound names a subtype, but the type is not represented by either the head or the modifier in the compound. For example, *Deadhead*, *redhead*, and *pickpocket* represent types of people by denoting some distinguishing characteristic. There is typically another word, not included in the compound, that represents the type of which the compound represents the subtype. In the case of *Deadhead*, *redhead*, and *pickpocket* this other word is *person*, so a *Deadhead* is a person who is an enthusiastic fan of the band *The Grateful Dead*. These are called **exocentric compounds**.

دوم، ترکیب یک زیرگروه را نامگذاری می کند، اما نوع راس یا معرف در ترکیب نشان داده نمی شود. در این گروه از ترکیب ها معمولاً کلمه دیگری وجود دارد که نشان دهنده نوع ترکیب زیرگروه است اما در ترکیب گنجانده نمی شود. این دست از ترکیب ها ترکیب های "برون مرکزی" نام دارند.

Third, there are compounds in which both elements are heads; each contributes equally to the meaning of the whole and neither is subordinate to the other, for instance, *bitter-sweet*.

Compounds like these can be paraphrased as both X and Y, e.g., "bitter and sweet." Other

examples include *teacher-researcher* and *producer-director*. These can be called **coordinative compounds**.

سوم، ترکیب هایی وجود دارند که در آنها هر دو عنصر راس هستند. هر یک به طور یکسان در معنای کل ترکیب مشارکت داشته و هیچیک از آنها تابع دیگری نیست. این دست از ترکیب ها "ترکیب های هماهنگ" نام دارند.

As a third (and final) possible mode of analyzing compounds we briefly consider that used in the series of modern traditional grammars prepared by Quirk, Greenbaum, Leech and Svartvik (1972, 1985). In this method, the compounds are analyzed and classified according to the relationships among their constituents when the meaning of the compound is expressed as a phrase or clause. For example:

Phrases

blood-test	a test of blood
bee-sting	a sting by a bee
swimming pool	a pool for swimming
adding machine	a machine for adding
girlfriend	a friend who is a girl
killer shark	a shark which is a killer
windmill	a mill powered by wind
motorcycle	a cycle powered by a motor
self-control	someone able to control self

clauses

sunrise	when the sun rises
---------	--------------------

Other sources of words

Besides derivation and compounding, languages make use of coining, abbreviating, blending, and borrowing to create new words.

علاوه بر اشتقاق و ترکیب، زبان ها از ابداع، مخفف کردن، ترکیب، و قرض گرفتن برای ایجاد کلمات جدید استفاده می کنند.

Coining is the creation of new words without reference to the existing morphological resources of the language, that is, solely out of the sounds of the language. Coining is very rare, but *nylon* is an attested example.

ابداع عبارت است از ساخت واژگان جدید بدون اشاره به منابع صرفی موجود در زبان و صرفاً با استفاده از آوای زبان. فرایند ابداع در ساخت واژگان بسیار نادر است، اما نایلون یک نمونه اثبات شده از این فرایند است.

Shortening involves the clipping of existing words to create other words, usually informal versions of the originals. There are several ways to shortening. We may simply lop off one or more syllables, as in *prof* for *professor*, *doc* for *doctor*. Usually the syllable left over provides enough information to allow us to identify the word, though occasionally this is not the case: United Airlines's low cost carrier is called *Ted*. Alternatively, we may use the first letter of each word in a phrase to create a new expression, an **acronym**, as in "laser" (light amplified stimulation emission radiation) or "radar" (radio detecting and ranging). In another case, **abbreviation**, we may use the first letter of each word in a phrase to create a new expression, as in UN, US, or SUV. In these instances the abbreviation is pronounced as a sequence of letter names. In other instances, such as *UNICEF* from *United Nations International Children's Emergency Fund*, the abbreviation can be pronounced as an ordinary English word. Advertisers make prolific use of acronyms and often try to make them pronounceable as ordinary words.

کوتاه کردن عبارت است از بریدن کلمه های موجود در نشان دادن همان کلمه ها، که معمولاً نمایه ای غیررسمی از واژه اصلی بشمار می آید. روش های گوناگونی برای کوتاه کردن واژگان وجود دارد از جمله آنکه می توان به سادگی یک یا چند هجا را از واژه حذف کرد. معمولاً هجای باقی مانده اطلاعات کافی برای شناسایی کلمه کوتاه شده را به ما می دهد. از طرف دیگر، می توان از اولین حرف هر کلمه در یک عبارت برای ایجاد یک عبارت جدید، "سرواژه عام"، استفاده کرد. در مورد دیگر، "سرواژه خاص"، می توان از اولین حرف هر کلمه در یک عبارت برای ایجاد یک عبارت جدید استفاده کرد. در این حالت سرواژه خاص به صورت دنباله ای از نام حروف تشکیل دهنده آن تلفظ می شود. تبلیغ کنندگان از سرواژه های خاص بسیار استفاده می کنند و اغلب سعی می کنند آن ها را به عنوان کلمات معمولی تلفظ کنند.

Blending involves taking two or more words, removing parts of each, and joining the residues together to create a new word whose form and meaning are taken from the source words. *Smog* derives from *smoke* and *fog* and means a combination of these two substances (and probably lots

of others); *motel* derives from *motor* and *hotel* and refers to hotels that are convenient in various ways to motorists; *Prevacid* derives from *prevent acid*; *eracism* derives from *erase* and *racism* and means erase racism or, if read against the grain, electronic racism (cf. *email*, *ecommerce*, *E-trade*); *webinar* derives from (*worldwide*) *web* and *seminar*. In November 2007, an interviewee on an NPR news item created the blend *snolo* to refer to playing bike polo in the snow.

ادغام عبارت است از انتخاب دو یا چند کلمه، حذف قسمت‌هایی از هر کدام، و به هم پیوستن باقی مانده‌ها به یکدیگر برای ایجاد یک کلمه جدید که شکل و معنای آن از کلمات منبع گرفته شده است.

Borrowing involves copying a word that originally belonged in one language into another language. For instance, many terms from Mexican cuisine, like *taco* and *burrito*, have become current in American English and are spreading to other English dialects. Borrowing requires that the borrowing language and the source language come in contact with each other. Speakers of the borrowing language must learn at least some minimum of the source language for the borrowing to take place. Over its 1500 year history English has borrowed from hundreds of languages, though the main ones are Latin (*homicide*), Greek (*chorus*), French (*mutton*), Italian (*aria*), Spanish (*ranch*), German (*semester*), and the Scandinavian languages (*law*). From Native American languages, American English has borrowed place names (*Chicago*), river names (*Mississippi*), animal names (*opossum*), and plant names (*hickory*).

وام گرفتن عبارت است از کپی کردن یک کلمه که در ابتدا به یک زبان تعلق داشته است در یک زبان دیگر. وام گرفتن مستلزم آن است که زبان وام گیرنده و زبان مبدأ با یکدیگر در تماس باشند. گویشوران زبان وام گیرنده باید حداقل بااندکی از زبان مبدأ آشنایی داشته باشند تا وام گیری انجام شود.

The borrowed word never remains a perfect copy of its original. It is made to fit the phonological, morphological, and syntactic patterns of its new language. For example, the Spanish pronunciation of *burritos* is very different from the English pronunciation. At the very least, the two languages use different /r/s and /t/s, and the plural marker {-s} is voiced in English but voiceless in Spanish.

کلمه وام گرفته شده هرگز یک نمونه کامل از اصل خود باقی نمی ماند بلکه به تناسب با الگوهای واجی، صرفی و نحوی زبان جدید مطابقت پیدا می کند.

Registers and Words

Although most of the words we use every day can be used in almost any context, many words of the language are restricted to uses in certain fields, disciplines, professions, or activities, i.e., **registers**. For example, the word *phoneme* is restricted to the linguistic domain. Interestingly, some words may be used in several domains with a different meaning in each, though these meanings may be a specific version of a more general meaning. For example, the word *morphology* is used in linguistics to refer to the study of the internal structure of words and their derivational relationships; in botany to refer to the forms of plants; in geology to refer to rock formations. The abstract meaning underlying these specific meanings is the study of form.

اگرچه اکثر کلماتی که ما هر روز استفاده می‌کنیم تقریباً در هر زمینه‌ای قابل استفاده هستند، بسیاری از کلمات زبان به کاربرد در زمینه‌ها، رشته‌ها، حرفه‌ها یا فعالیت‌های خاص و به اصطلاح "رجیسترها" محدود می‌شوند. به عنوان مثال، کلمه واج محدود به حوزه زبانشناسی است. باید توجه داشت که برخی از کلمات ممکن است در چندین حوزه با معنای متفاوتی در هر یک از آن حوزه ها استفاده شوند، اگرچه این معانی ممکن است نمونه خاصی از معنای کلی تر باشند. به عنوان مثال، واژه مورفولوژی در زبان شناسی برای اشاره به مطالعه ساختار درونی کلمات و روابط اشتقاقی آنها استفاده می‌شود اما در گیاه شناسی به اشکال گیاهان و در زمین شناسی برای اشاره به سازندهای سنگی اشاره می‌کند. راه شناخت معنای کلی و انتزاعی در زیربنای این واژگان، مطالعه شکل آنها است.

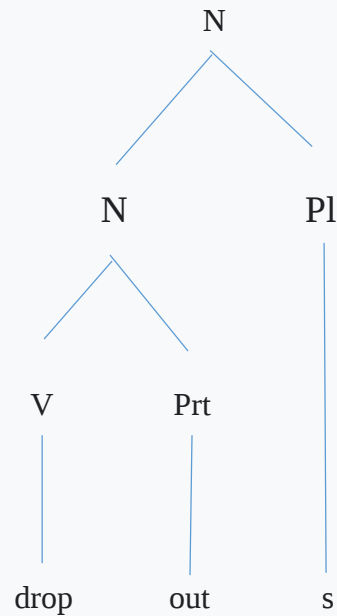
The internal structure of complex words

Complex words (those composed of more than one morpheme) are not merely unstructured sequences of morphemes. For example, the plural {-s} suffix on *dropouts* must be added to the entire compound *dropout*, not to *out* to which *drop* is then added. The reason for this is that the plural suffix may be attached to nouns, but not to verbs or particles. *Drop* and *out* constitute a noun only after they have been brought together in the compound.

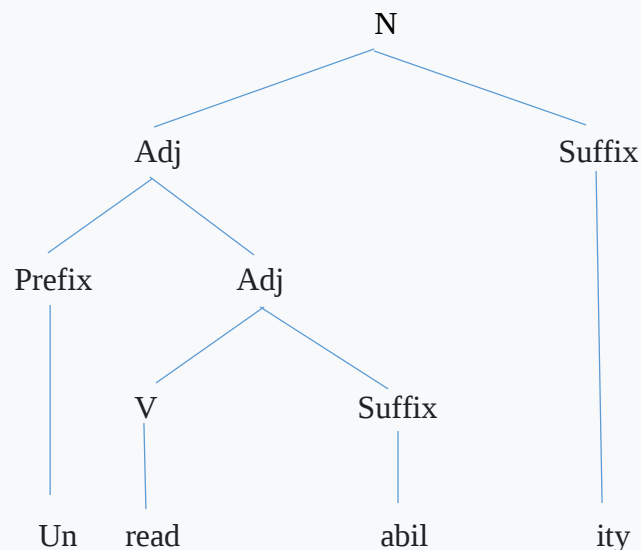
کلمه های مرکب (کلمه هایی که از بیش از یک تکواژ تشکیل شده‌اند) صرفاً دنباله‌هایی که فاقد ساختار تکواژی باشند نیستند. به عنوان مثال، در یک ترکیب اسمی پسوند جمع به کل ترکیب اضافه می‌شود. دلیل این امر نیز این است که این پسوند باید به اسم، و نه به فعل یا جزء اضافه آن پیوست شود.

We can use brackets with subscripts to represent these relations: [N[N[Vdrop][Prtout]]s].

Alternatively, and equivalently, we can use tree diagrams to indicate the parts (constituents) of complex words and their structural relations



Consider another example: *unreadability*. We analyze this word as [N[Adjun1[Adj[Vread]abil]]ity], represented by the following tree:



Let's consider this analysis more closely. The suffix {-able} attaches to verbs to create adjectives. Besides *readable* we have the adjectives *doable*, *manageable*, and *attachable*, which

are derived from the verbs *read*, *do*, *manage*, and *attach*, respectively. We can represent this part of the word as: [Adj[Vread] able].

The prefix {un1-} attaches to adjectives, meaning “not” or “the converse of.” Compare *unwise*, *unfair*, *ungrateful*, *uncomfortable*, *unmanageable* with *unreadable*. All can be glossed as not having the quality denoted by the adjective to which they are attached: “not comfortable,” “not fair,” etc. This morpheme must be distinguished from the prefix {un2-} meaning “to reverse the action,” which can be attached only to verbs (e.g., *untie*). {Un1-} cannot attach to the verb *read*; although there is the word *unread*, pronounced [@nrEd], not [@nrid], an adjective meaning “not read” and derived from the past participle of *read*. Consequently, in *unreadable*, {-able} must be attached to {read} to create the adjective *readable*. {Un1-} may then be attached to *readable* to create *unreadable*. We will represent this part of the word as: [Adjun1[Adj[Vread]able]]. The suffix {-ity} attaches to adjectives to create abstract nouns. Consequently it must be attached to the adjective *unreadable*. The structure of the entire word therefore must be:

[N[Adjun1[Adj[Vread]able]]ity], as specified above. In pronunciation the morpheme {-able} will be assigned its allomorph /@bIl/ (spelled <abil>, the same allomorph that appears in *ability*).

Classifying words by their morphological properties

Once the morphemes of a language have been identified, their allomorphs determined, and their distributions specified, we can use our analysis to assign the words of a language to parts of speech. For many words, inflections provide the main basis of this assignment.

هنگامی که تکواژهای یک زبان شناسایی و شکل و توزیع آنها مشخص شد، می توانیم از تحلیل خود برای اختصاص دادن کلمه های یک زبان به نقش های دستوری معین استفاده کنیم. برای بسیاری از کلمه ها، عطف ها اساس اصلی بخش این تخصیص را فراهم می کنند.

Nouns can be identified as those words that can be inflected for plural.

اسم ها را می توان به عنوان آن دسته از کلمه هایی شناسایی کرد که می توان آنها به منظور جمع کردن صرف کرد.

Verbs are words that can be inflected for 3rd person singular present tense, past tense, past

participle, and progressive. These forms are often referred to as the principal parts of the verb.

فعل ها کلمه هایی هستند که می توان آنها را برای حال سوم شخص مفرد زمان، زمان گذشته، فعل ماضی و استمراری صرف کرد . این فرم ها اغلب به عنوان قسمت های اصلی فعل در نظر گرفته می شوند.

Short adjectives and adverbs are words that can be inflected for comparative and superlative.

صفت ها و قید های کوتاه کلمه هایی هستند که می توان آنها را در حالت های مقایسه ای برتر و برترین صرف کرد.

Derivational regularities can also be used to classify words. We can, for example, classify as adverbs words derived from adjectives by the addition of the suffix {-ly}, e.g., *quickly*.

از قواعد اشتقاقی نیز می توان برای طبقه بندی کلمه ها استفاده کرد. برای مثال می توانیم کلمه هایی را که از صفت ها مشتق شده اند با اضافه کردن پسوند به عنوان قید طبقه بندی کنیم.

Classifying words on the basis of their internal morphological structure works only up to a point. There are lots of words that are not internally complex and so cannot be classified without recourse to other types of criteria. For example, the preposition “to” has no internal morphological structure and so cannot be assigned to a grammatical class on that basis. Likewise, adverbs such as *hard* or *fast* lack the characteristic {-ly} ending. It becomes necessary to use other criteria to classify these and many other words.

طبقه بندی کلمه ها بر اساس ساختار ریخت شناسی درونی آنها فقط تا سقفی معین عمل می کند. کلمه های زیادی وجود دارند که از نظر درونی پیچیده نیستند و بنابراین نمی توان آنها را بدون دسترسی به معیار های دیگر طبقه بندی کرد.

Grammar

Definition : Grammar is the controlling rules according to which words are set by each other to form a meaningful sentence.

دستور زبان

گرامر قوانین کنترل کننده ای است که بر اساس آن کلمات برای تشکیل یک جمله معنی دار در تناسب با یکدیگر در کنار هم قرار می گیرند.

Types of grammar :

Descriptive : This approach studies the grammar of the language according to how it is used and how the words are put together to form sentences .

انواع دستور زبان

توصیفی: این رویکرد گرامر زبان را با توجه به وضعیت آن مطالعه می کند تا نشان دهد چگونه کلمات در کنار هم قرار می گیرند تا جمله بسازند

Prescriptive : The approach that studies the grammar of a language according to the grammar of other languages . This approach focuses on how the elements should be put together.

تجویزی: این روش دستور زبان را با توجه به دستور زبان های دیگر بررسی می کند. این رویکرد بر نحوه قرار دادن عناصر در کنار هم تمرکز دارد

Traditional grammar : In this approach , the formation of a sentence is studied due to the parts of speech that are used to label the grammatical categories of the words as noun , article , adjective , verb , adverb , preposition , pronoun and conjunction. The parts of speech in the sentence should agree with each other in number , person , tense , gender (my with I) .

دستور زبان سنتی: در این رویکرد ، شکل گیری یک جمله با توجه به بخشهایی از گفتار که برای برچسب زدن دسته بندی های دستوری کلمات به عنوان اسم ، مقاله ، صفت ، فعل ، قید ، حرف اضافه ، ضمیر و ربط استفاده می شود مورد مطالعه قرار می گیرد. بخشهای گفتار در جمله باید از نظر تعداد ، شخص ، زمان ، جنسیت با یکدیگر همخوانی داشته باشند.

Generative grammar : This approach studies the grammar according to a small and limited set of rules that are capable of producing a large and unlimited number of well-formed structures which is used to “generate” sentence structures . Here , generative rules form the words into small constituents , small constituents into bigger constituents and bigger forms finally form sentences.

دستور زبان زایشی: این رویکرد گرامر را با توجه به مجموعه ای از قواعد و فرمول هایی که قادر به تولید تعداد نامحدود جمله های صحیح و دستوری هستند مورد مطالعه قرار می دهد.

Constituent analysis : This technique is designed to show how small constituents go together to form larger constituents. One basic step is determining how words go together to form phrases.

تجزیه و تحلیل سازه ای: این تکنیک برای نشان دادن چگونگی ترکیب اجزای کوچک در کنار یکدیگر در پیدایش سازه بزرگتر است. یک مرحله اساسی در این تکنیک تعیین نحوه ترکیب کلمات در تشکیل گروه ها است.

S : (sentence)

NP : (noun phrase)

VP : (verb phrase)
N : (noun)
V : (verb)
Art : (article)
Det : (determiner)

Generative approach introduces the terms “Deep structure” and “Surface structure” :

رویکرد زایشی اصطلاحات "ژرف ساخت" و "روساخت" را معرفی می کند:

Deep structure : The abstract level of structural organization in which all the elements determining structural interpretation of the sentence are represented.

ژرف ساخت: سطح انتزاعی که در آن همه عناصر ساختار تعیین شده و تعبیر ساختاری جمله در آن نشان داده شده است

Surface structure : The concrete structural organization on which the sentence appears.

روساخت : ساختار ظاهری و مشخصی که جمله بر روی آن ظاهر می شود

Note :

A) Sentences with two distinct surface structures but one deep structure have one meaning

الف – برخی از جملات دارای دو رو ساخت متمایز اما یک ژرف ساخت هستند و یک معنی دارند

B) Sentences with one surface structure but distinct deep structures have distinct meanings

ب – برخی از جملات دارای یک روساخت اما ژرف ساخت های متمایز هستند و معانی متمایزی دارند

Ambiguity : The realization of various meanings from one surface structure .

ایهام: تحقق معانی مختلف از یک رو ساخت

Ambiguity is categorized in two groups :

ایهام در دو گروه طبقه بندی می شود:

Lexical ambiguity : One word with different and unrelated meanings termed as homonyms.

eg. I went to the bank yesterday.

ایهام واژگانی: یک کلمه با معانی متفاوت و غیر مرتبط که همنام نامیده می شوند

Structural ambiguity : One sentence with different and unrelated meanings .

eg. I saw him in the bus.

ابهام ساختاری: یک جمله با معانی متفاوت و غیر مرتبط .

Semantics and Pragmatics

Semantics deals with the meaning of the word and sentence , and pragmatics deals with the features of what the speaker means through his speech.

معنا شناسی و کاربرد شناسی

معناشناسی به معنای کلمه و جمله می پردازد و کاربردشناسی به ویژگی های منظور گوینده از طریق گفتار او می پردازد.

Conceptual meaning : It is a group of the features that directly form the meaning of a word.

eg. needle : a tool , thin , long , sharp tip , steel .

معنای مفهومی: مجموعه ای از ویژگی ها است که به طور مستقیم معنی یک کلمه را شکل می دهد.

Associative meaning : associations that come to mind along with the concepts of a word.

(needle : pain)

معنی تداعی: تداعی هایی است که همراه با مفاهیم یک کلمه به ذهن می رسد

Semantic features : Just grammatical features are not enough to have a true sentence , semantic features should match in the structure as well . For example , “My cat studied linguistics” is grammatically true but semantically incorrect.

Instances of some semantic features can be represented in the following table :

woman : animate (+) , human (+) , male (-) , adult (+)

ویژگیهای معنایی: فقط ویژگیهای دستوری برای داشتن یک جمله واقعی کافی نیست ، ویژگیهای معنایی نیز باید در

ساختار دارای مطابقت باشند. به عنوان مثال ، "گربه من درس می خواند از نظر دستوری درست است اما از نظر

معنایی نادرست است. مواردی از برخی ویژگیهای معنایی را می توان در جدول زیر نشان داد

زن: متحرک (+) ، انسان (+) ، مرد (-) ، بزرگسال (+)

Lexical relations (co-text): Linguistic context (co-text) is the collection of the words used in a very same sentence; it helps to find out which meaning of the several meanings of a word is appreciated. eg. He went to the **bank** for a loan.

روابط واژگانی: زمینه زبانی مجموعه ای از کلمات مورد استفاده در دو جمله کاملاً مشابه است ؛ این روابط کمک می کند تا دریابیم که معنی مورد نظر یک کلمه چند معنایی چیست.

Lexical relations

روابط واژگانی

Synonymy : A feature in which two or more words have such a close semantic relationship that can substitute each other in most sentences . eg answer ~ reply

مترادف: ویژگی ای که در آن دو یا چند کلمه دارای رابطه معنایی نزدیکی هستند که می توانند در اکثر جملات جایگزین یکدیگر شوند.

Antonymy : A feature in which two or more words have an opposite semantic relationship. Antonymy is itself subdivided into two categories: gradable , nongradable .

تضاد: ویژگی ای است که در آن دو یا چند کلمه رابطه معنایی متضاد دارند. تضاد خود به دو دسته تقسیم می شود: قابل درجه بندی ، غیر قابل درجه بندی

Nongradable antonymy

In nongradable antonymy which is titled as complementary pairs - there are no grades between the antonyms; the negative form of one denotes the other one. (male VS female)

در تضاد درجه ناپذیر که جفت مکمل نیز نامیده می شود - هیچ درجه ای بین متضادها وجود ندارد ؛ شکل منفی یکی نشان دهنده دیگری است. (مرد در مقابل زن)

Gradable antonymy

In gradable antonymy, the two words are not directly opposite because the occurrence of comparison is possible as there are grades between the two antonyms . (small VS smaller)

در تضاد درجه پذیر ، دو کلمه به طور مستقیم متضاد یکدیگر نیستند زیرا امکان مقایسه وجود دارد و درجاتی بین دو متضاد وجود دارد. مانند کوچک و کوچکتر.

Hyponymy : Whenever the meaning of a word is a part of the meaning of another word . For

instance : carrot , flower >> vegetable . (carrot and are certainly a vegetables) .

شمول معنایی : هرگاه معنای ماهیتی یک کلمه بخشی از معنای ماهیتی کلمه دیگری باشد.

Co- hyponyms : Two words that share a super-ordinate term are co-hyponyms. For instance carrot is vegetable and vegetable is plant , therefore carrot and vegetable are plants.

هم معنا شمولی : دو کلمه ای که در یک ویژگی مافوق خود مشترک هستند ، دو کلمه هم معنا شمول هستند. به عنوان مثال هویج گیاه است و سبزی هم گیاه است ، بنابراین هویج و سبزی در ویژگی گیاه با یکدیگر هم معنا شمول هستند

Homophony: The feature in which two or more written words have a same pronunciation while their dictations differ. (eg. meat- meet, flour-flower, where-were)

هم آوایی: ویژگی ای که در آن دو یا چند کلمه دارای تلفظ یکسانی هستند در حالی که دیکته آنها با هم متفاوت است.

Homography: The feature in which two or more words have a same writing while their pronunciations differ. (eg. wind & wind)

هم نگاره : ویژگی ای که در آن دو یا چند کلمه دارای دیکته یکسانی هستند در حالی که تلفظ آنها با هم متفاوت است.

Homonymy: A feature in which a form or a word (both in written or spoken use) has two or more unrelated meanings. (eg. bank: in relation to river-bank in relation to money, pupil: in relation to school-pupil: in relation to eye)

همنامی: ویژگی که در آن شکل کلمه ها در نوشتار و در گفتار یکسان است اما معنای آنها با یکدیگر نامرتب است .

Polysemy: A feature in which an individual word contains some related meanings as a result of meaning expansion. (eg. head: part of the body, chief, bubbles on beer)

پلیزمی : ویژگی ای که در آن یک کلمه در نتیجه گسترش آن حاوی برخی معانی مرتبط است.

Monosemy : A feature in which an individual word contains no related meanings.

Language and Brain

According to the studies done by neurologists and the researches done by the psychologists in the field of cognition , all the language activities , including acquisition , process and productivity are located in the brain . Man's brain , which consists of two hemispheres ,

right and left , is covered by cerebral cortex which contains about a two billion gray cells. These cells are not reconstructable and are connected as a whole in the synopsis where the two hemispheres link . Researches state that the major location of man's language normally locates in the left hemisphere in the areas termed Broka , Vernike and Motor .

زبان و مغز

با توجه به مطالعات انجام شده توسط متخصصان مغز و اعصاب و تحقیقات انجام شده توسط روانشناسان در زمینه شناخت ، کلیه فعالیت های زبانی از جمله دریافت ، پردازش و فراگویی در مغز صورت می گیرد. مغز انسان ، که از دو نیمکره راست و چپ تشکیل شده است ، توسط قشر مغزی پوشانده شده است که شامل حدود دو میلیارد سلول خاکستری است. این سلولها قابل بازسازی نیستند و به طور کلی در ناحیه ای که دو هموسفر به هم پیوند دارند به هم متصل شده اند. تحقیقات نشان می دهد که مکان اصلی زبان انسان به طور معمول در نیمکره چپ در مناطق تحت عنوان بروکا ، ورنیکه و موتور قرار دارد.

Parts of the brain :

A) Broka area : This area is located in the front part of the brain and controls the production activity of language . Any damage to this area leads to the aphasia which disables one to write or speak the language .

بخش های مغز

منطقه بروکا: این ناحیه در قسمت جلویی مغز قرار دارد و فعالیت تولید زبان را کنترل می کند. هرگونه صدمه به این ناحیه منجر به زبان پریشی می شود که باعث می شود فرد نتواند بنویسد یا صحبت کند.

B) Vernike area : This area is located in the back of the brain and controls the language apprehension. Any damage to this area leads to the aphasia which disables one to apprehend sentences but does not influence the ability in writing or speaking .

ناحیه ورنیکه: این ناحیه در پشت مغز قرار دارد و درک زبان را کنترل می کند. هرگونه صدمه به این ناحیه منجر به زبان پریشی می شود که فرد را در درک جملات ناتوان می کند اما بر توانایی نوشتن یا صحبت کردن او تأثیر ندارد.

C) motor : the part to control the movements of the muscles that produce speech

موتور: بخشی که برای کنترل حرکات ماهیچه های فراگویی در گفتار است

D) arcuate fasciculus : the part which relates Broka area to Vernike area

آرکویت فاسیکولوس : قسمتی که منطقه بروکا را به ناحیه ورنیکه مرتبط می کند

Tip of the tongue : The speaker does not remember the word itself but he remembers its first letter , and the number of its syllables and even the words like it .

نوک زبان: گوینده خود کلمه را به خاطر نمی آورد ، اما حرف اول آن و تعداد هجای آن و حتی کلمات مانند آن را به خاطر می آورد .

Slip of the tongue : The first letter of two words are substituted for each other , or a part of the second word substitutes inside a part of the first word. It influences the elements inside the sentence : “ I hissed my mystery class. “ instead of “ I missed my history class.”

لغزش زبان و لغزش گوش: حرف اول دو کلمه جایگزین یکدیگر می شود ، یا قسمتی از کلمه دوم در قسمتی از کلمه اول جایگزین می شود و بر عناصر داخل جمله تأثیر می گذارد.

Slip of the ear : For instance hearing “great ape” instead of “grey tape”

Anomia : The person does not remember the word itself, instead he gives a lot of explanations about the word . eg. knife : sharp steel blade for cutting things

آنومیا: شخص خود کلمه را به خاطر نمی آورد ، در عوض توضیحات زیادی در مورد این کلمه می دهد

First language acquisition

فراگیری زبان اول

Cooing : The sounds produced are evaluated as reflections against the environment .

ونگ و ونگ : صداها تولید شده به عنوان بازتاب در برابر محیط ارزیابی می شوند

Babbling : The sounds produced by the are considered to be produced as a means to practice over the domination of vocal articulation .

ور و ور : صداهای تولید شده به عنوان وسیله ای برای تمرین بر تسلط بر بیان صوتی تولید می شوند

Holophrastic stage : In this stage the infant expresses a simple mean in one word . The use of one word to call for other objects having the same features takes place in this stage .

مرحله هولوفرستیک: در این مرحله نوزاد یک معنی ساده را در یک کلمه بیان می کند. استفاده از یک کلمه برای فراخوانی اشیاء دیگر با ویژگی های مشابه در این مرحله انجام می شود

Telegraphic stage : No insertion of any articles or prepositions, the infant starts to put the words together . The word combination mainly consist of nouns , verbs and adjectives .

مرحله تلگرافی: بدون درج هیچ مقاله یا حروف اضافه ، نوزاد شروع به چیدمان کلمات می کند. ترکیب کلمات در این مرحله عمدتاً شامل اسامی ، افعال و صفات است.

Syntactic stage : The first grammatical morphemes are the inflectional morphemes, then the use of articles and prepositions become popular . The child overgeneralizes “ed” to change all verbs into past or all nouns into plural.

مرحله نحوی: در این مرحله اولین تکواژهای دستوری ، تکواژهای صرفی هستند ، سپس استفاده از حروف تعریف و حروف اضافه آغاز می شود. کودک در این مرحله قاعده ساخت فعل در زمان گذشته را تعمیم بیش از حد می دهد.

Question sentences : First questions are made through simple sentences with a rising intonation at the end . Later “wh” words are inserted at the beginning of the sentence .

جملات سوالی : سوالات اول از طریق جملات ساده و با خیزش لحن در پایان جمله ساخته می شوند. بعداً کلمات پرسشی در ابتدای جمله درج می شوند.

Negative sentences : First “ no “ at the beginning of a sentence , later just before the verb .

جملات منفی: ابتدا درج "نه" در ابتدای جمله ، بعداً درج "نه" درست قبل از فعل.
Semantics stage: Overgeneralization , the child calls every plant a “flower”.

مرحله معناشناسی: تعمیم بیش از حد ، کودک هر گیاه را "گل" می نامد.

*If the child is deaf , he will give up language acquisition after six month.

اگر کودک ناشنوا باشد ، پس از شش ماه یادگیری زبان را رها می کند.

*First language acquisition depends on interaction, such as his mother's talks, therefore the child doesn't learn his language by watching TV. The child first acquires the vowels , then the consonants, the first of which are /g/ and /k/.

فراگیری زبان اول به تعامل زبانی ، مانند صحبت های مادرش بستگی دارد ، بنابراین کودک با تماشای تلویزیون زبان خود را یاد نمی گیرد. کودک ابتدا واژه ها و سپس همخوان ها ، که اولین آنها "ک" و "گ" هستند را فرا می گیرد.

* A child's language development depends on the development of his brain and what he needs most in this period is "language input" (crucial stage). It can be done by the mother through numerous questions with long and loud tones , low speed talks along with long pauses, the use of childish words in talking with him and continuously speaking about the child. Note that the child's reflections in this interaction lacks any rhythm.

رشد زبانی کودک به رشد مغز او بستگی دارد و آنچه در این دوره بیشتر به آن نیاز دارد "داده های زبانی" (مرحله بسیار مهم) است. این کار را مادر می تواند از طریق سوالات متعدد با صدای بلند ، مکالمات با سرعت کم همراه با مکث های طولانی ، استفاده از کلمات کودکانه در صحبت با او و صحبت مداوم در مورد کودک انجام دهد. توجه داشته باشید که بازتاب های کودک در این تعامل فاقد هرگونه ریتم است.

Second Language acquisition

فراگیری زبان دوم

Grammar and translation : Emphasizes on grammar , writing correct sentences, memorizing words and translation.

دستور زبان و ترجمه: این روش بر دستور زبان ، نوشتن جملات صحیح ، حفظ کلمات و ترجمه جمله ها تأکید می کند

Direct method : A method like GT but without any translation or any words of the FL.

روش مستقیم: روشی مانند روش دستور زبان و ترجمه است اما بدون هیچ ترجمه ای از زبان اول.
Audio – Lingual : Repeating the current structures in the FL.

Language styles

سبک های زبانی

Slang style : The words used in this style are not normally respected and are basically used by those who are not of honor in the society . According to English morphology , formation of words in slang style is due to the clipping .

سبک اسلنگ: کلماتی که در این سبک استفاده می شود معمولاً مورد احترام نیست و اساساً توسط کسانی استفاده می شود که در جامعه احترامی ندارند. بر اساس مورفولوژی انگلیسی ، شمل گیری کلمات به سبک عامیانه با بریده شدن واژگان همراه است.

Formal style: The words used in this style are quite formal and are selected very carefully to indicate a formal conversation .

سبک رسمی: کلماتی که در این سبک استفاده می شوند کاملاً رسمی هستند و برای نشان دادن یک مکالمه رسمی بسیار دقیق انتخاب می شوند.

Conversational style : The words used in this style are common words and are not considered as formal ones .The use of this style is when the sides of conversation intend to prove friendliness in a logical manner .

سبک محاوره ای: کلماتی که در این سبک به کار می روند ، کلمات رایج هستند و به عنوان کلمات رسمی در نظر گرفته نمی شوند. استفاده از این سبک زمانی است که طرفین قصد دارند صمیمیت را به صورت منطقی ثابت کنند

Professional style : The words used in this style are respected ones which are used by honored people . Etymologically , these words which are usually long ones ,originate in Greek and Latin expressions .

سبک حرفه ای: کلماتی که در این سبک استفاده می شود واژه هایی متین هستند که توسط افراد محترم استفاده می شود. از نظر ریشه شناسی ، این کلمات که معمولاً طولانی هستند و از عبارات یونانی و لاتین سرچشمه می گیرند.